

Islamic Knowledge and Insight

Family Management and Emerging Challenges in the Present Era: An Approach to the Teachings of the Holy Quran and Nahjul-Balagha

1. Ali Akbari^{ID}: PhD Student, Department of Quran and Hadith Sciences, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

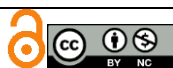
2. Seyyed Hamid Hosseini^{ID}*: Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran (Hoseinihamid2@gmail.com).

3. Hamed Fathaliani^{ID}: Assistant Professor, Department of Education, Malayer Branch, Islamic Azad University, Malayer, Iran.

Abstract

In today's vast world, the era of technology, which has enhanced the access of society to a set of information and the power and ability that comes from it, has confronted traditional parental management in raising children with numerous challenges. Considering the importance of religious education of children in reducing cultural and social tensions, this study, by examining the teachings of the Quran and Nahjul-Balagha, offers practical solutions for parents, educators, and policymakers to organize the upbringing of children based on Islamic values with greater awareness. This study, with the aim of examining family management and emerging challenges in the present era, was conducted using a descriptive-analytical method. The results of the study show that: 1. Love and respect, creating a sense of self-confidence in teaching life skills, and intimate communication between parents and children, are the foundations for the proper growth and upbringing of children. 2. Parents can update their educational strategies in the face of emerging challenges and educate their children according to their needs. Therefore, utilizing the teachings of the Quran and Nahjul-Balagha can play an effective role in improving family management and reducing family and social tensions and differences.

Keywords: Quran, Nahjul-Balagha, Emerging Challenges, Strategy, Family.



How to cite: Akbari A, Hosseini H, Fathaliani H. (2024). Family Management and Emerging Challenges in the Present Era: An Approach to the Teachings of the Holy Quran and Nahjul-Balagha. *Islamic Knowledge and Insight*, 2(2), 69-85.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 2024-06-09

Revise Date: 2024-07-07

Accept Date: 2024-08-15

Publish Date: 2024-09-21

معرفت و بصیرت اسلامی

مدیریت خانواده و چالش‌های نوپدید در عصر حاضر

بارویکردی از آموزه‌های قرآن کریم و نهج البلاغه

۱. علی اکبری^{ID}: دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

۲. سید حمید حسینی^{ID}: استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (Hoseinihamid2@gmail.com)

۳. حامد فتحعلیانی^{ID}: استادیار، گروه معارف، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران.

چکیده

در دنیای وسیع امروز، عصر فناوری که دسترسی‌های جامع را به مجموعه اطلاعات و قدرت و توان ناشی از آن ارتقاء داده، مدیریت سنتی والدین را در تربیت فرزندان با چالش‌های عدیده‌ای مواجه ساخته است. با توجه به اهمیت تربیت دینی فرزندان در کاهش تنش‌های فرهنگی و اجتماعی، این پژوهش با بررسی آموزه‌های قرآن و نهج البلاغه، راهکارهای عملی برای والدین، مربیان و سیاست‌گذاران ارائه می‌دهد تا با آگاهی بیشتر، تربیت فرزندان را بر اساس ارزش‌های اسلامی سامان دهند. این پژوهش، با هدف بررسی مدیریت خانواده و چالش‌های نوپدید در عصر حاضر، به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که: ۱. محبت و احترام، ایجاد حس اعتماد به نفس در آموزش مهارت‌های زندگی و ارتباط صمیمی میان والدین و فرزندان، زمینه‌ساز رشد و پرورش صحیح فرزندان می‌باشد. ۲. والدین می‌توانند در مواجهه با چالش‌های نوپدید، راهبردهای تربیتی خود را به‌روز کرده و با توجه به نیازهای فرزندان، به تربیت آنان بپردازند. بنابراین بهره‌گیری از تعالیم قرآن و نهج البلاغه می‌تواند در بهبود مدیریت خانواده و کاهش تنش‌ها و اختلافات خانوادگی و اجتماعی نقش تأثیرگذاری داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، نهج البلاغه، چالش‌های نوپدید، راهبرد، خانواده.

شیوه استناددهی: اکبری، علی، حسینی، سید حمید، فتحعلیانی، حامد. (۱۴۰۳). مدیریت خانواده و چالش‌های نوپدید در عصر حاضر: بارویکردی از آموزه‌های قرآن کریم و نهج البلاغه. معرفت و بصیرت اسلامی، ۲(۲)، ۶۹-۸۵.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۵

تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۶/۳۱

مقدمه

در جهان امروز با وجود پیشرفت‌های متنوع در عرصه‌های علمی و فناوری، مدیریت نظام خانواده دچار چالش‌های تربیتی عدیده‌ای گردیده است یا به نوعی در برخی از خانواده‌ها، مسئولیت‌پذیری والدین و توجه به مسائل تربیتی و اخلاقی فرزندان کم رنگ شده است. امروزه اکثر والدین در مسئله آموزش و تربیت فرزندان کودک و جوان خویش با سر در گمی و افراط و تفریط مواجه هستند. محققان غربی نیز به این مطلب اعتراف دارند که میزان تعهد عمومی نسبت به حفظ این نهاد اجتماعی به شدت کاهش یافته است (هلمر، ۱۳۷۸: ۳، ۵۸). همچنین، مشکلات اقتصادی، مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی خانواده‌ها را شدیداً تهدید می‌کند. بنابراین همه‌ی مشکلات نشان می‌دهد که خانواده‌ها نیازمند راهبردهای مدیریتی و تربیتی معقولی برای رویارویی با چالش‌های تربیتی نوپدید، هستند. مدیریت والدین در خانواده به عنوان یکی از اساسی‌ترین ارکان تربیت فرزندان و ایجاد محیطی سالم و معنوی، همواره مورد توجه آئین اسلام بوده است. پیرامون مدیریت والدین در خانواده و چالش‌های تربیتی نوپدید به نحوی مطالبی در برخی از پژوهش‌ها و مقالات نوشته شده است که اجمالاً به برخی از آنها اشاره می‌شود: برای مثال، کتاب «نقش والدین در تربیت فرزندان از دیدگاه قرآن و سنت» (خدابخشی، ۱۳۹۹، ۱۲۴) به بررسی نقش والدین در تربیت فرزندان پرداخته است. همچنین مقاله «تربیت کودک در نهج البلاغه» (حسینی، ۱۴۰۰، ۸۷) به تحلیل دیدگاه‌های امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در این زمینه پرداخته است. و مقاله «بررسی مدیریت

خانواده و تربیت فرزندان با رویکرد اسلامی» (باصولی و همکاران، ۱۴۰۲) نیز به بررسی تعالیم تربیتی اسلام در حوزه تربیت فرزندان پرداخته‌اند. قرآن کریم و نهج البلاغه به عنوان دو منبع ارزشمند و پر محتوی، راهکارهای جامع و کاربردی برای مدیریت والدین در عصر جدید ارائه می‌دهند. بهره‌گیری از این مفاهیم می‌تواند به بالا بردن کیفیت تربیت فرزندان و استحکام بنیان خانواده کمک کند. لذا مدیریت والدین در عصر حاضر از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه، یک موضوع بسیار مهم و پر ارزشی است که با توجه به چالش‌های متعددی که امروزه در اجتماع و خانواده‌ها وجود دارد، به آن توجه خاصی نیاز است. قرآن و نهج البلاغه حاوی آموزه‌های جامعی برای مدیریت والدین در خانواده هستند. بهره‌گیری از این آموزه‌ها می‌تواند به بهبود روابط خانوادگی و تربیت فرزندان کمک نماید. این تحقیق می‌تواند به والدین کمک کند تا با بهره‌گیری از تعالیم دینی، نقش خود را در خانواده بهتر ایفا کنند و به تربیت فرزندان صالح و ایجاد محیطی سالم و معنوی بپردازند. قرآن کریم در آیات متعددی به نقش والدین در خانواده اشاره کرده و وظایف و مسئولیت‌های آنان را بیان نموده است. یکی از مهم‌ترین آیات در این زمینه، آیه ۱۴ سوره لقمان است: "وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ" (سوره لقمان، آیه ۱۴). در این آیه، خداوند به انسان سفارش می‌کند که به والدین خود احترام بگذارد و از زحمات آنان قدردانی کند. این توصیه نشان‌دهنده اهمیت جایگاه والدین در تربیت و مدیریت خانواده است (محمدی، ۱۴۰۰، ۳۵). نهج

البلاغه نیز بر اهمیت نقش والدین تأکید دارد. امام علی (ع) در نامه‌ای به فرزندش امام حسن (ع) می‌نویسد: "فرزندم، تو را به تقوا و پرهیزگاری سفارش می‌کنم" (نهج البلاغه، نامه ۳۱، ۱۰۵). این نامه‌ها نشان‌دهنده نقش والدین در هدایت فرزندان به سوی اخلاق و تقواست (رضایی، ۱۳۹۸، ۱۱۵). این تحقیق نشان می‌دهد که آموزه‌های قرآن و نهج البلاغه می‌توانند به عنوان راهنمایی برای بهبود مدیریت والدین در خانواده استفاده شوند. با بهره‌گیری از این آموزه‌ها، می‌توان به تربیت فرزندان صالح و ایجاد محیطی سالم و معنوی در خانواده کمک کرد. از اصول مهم تربیتی دیگر در قرآن کریم و نهج البلاغه، نقش محبت و مهربانی والدین در تربیت فرزندان است. قرآن کریم در آیه ۲۳ سوره اسراء به والدین توصیه می‌کند: "وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِی صَغِيرًا" (سوره اسراء، آیه ۲۳). این آیه بر لزوم محبت و مهربانی به والدین و تأثیر آن بر تربیت فرزندان تأکید دارد. تفسیر نمونه در توضیح این آیه به اهمیت محبت و مهربانی والدین در تربیت فرزندان پرداخته و می‌نویسد که والدین باید با محبت و لطف، فرزندان خود را تربیت کنند تا آنان نیز در آینده با محبت و احترام به والدین رفتار کنند (مکارم شیرازی، ۱۴۰۰، ۴۲۲). در نهج البلاغه نیز امام علی (ع) در حکمت ۲۲۲ بر اهمیت محبت و مهربانی در تربیت فرزندان تأکید کرده و می‌فرماید: "قلب کودک مانند زمینی خالی است که هر چه در آن کاشته شود، می‌پذیرد. پس قبل از آن که قلب او را چیزهای ناپسند پر کنند، او را با ادب و نیکی تربیت کنید" (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۲). شرح فیض الاسلام بر این حکمت، به تبیین نقش

محبت و مهربانی در تربیت فرزندان پرداخته و والدین را به استفاده از این اصل تربیتی توصیه می‌کند (فیض الاسلام، ۱۳۹۹، ۱۵۳). با توجه به مصادیق فوق مشخص می‌گردد، قرآن کریم و نهج البلاغه بر محبت و مهربانی والدین نسبت به فرزندان تأکید فراوانی کرده‌اند. این محبت باید واقعی، صمیمانه و بدون قید و شرط باشد. در میان انبوه آموزه‌های قرآنی و نهج البلاغه‌ای، محبت و مهربانی به عنوان ریشه اصلی تربیت و یکی از ارکان اصلی مدیریت والدین در عصر حاضر خود نمایی می‌کند. برای دست یافتن به مدیریت مطلوب خانواده، شایسته است راهبردهای تربیتی قرآنی که بر اساس اصل جامعیت و پاسخ‌گویی به نیازهای هدایتی انسان، درباره چگونگی مدیریت خانواده سخن گفته است (نساء: ۳۴)، مورد تحلیل قرار گیرد تا به یک الگوی مدیریتی شایسته در خانواده دست یافت. مدیریت خانواده یکی از مقوله‌های پیچیده‌ای است که هدف آن ایجاد مهارت پذیرش مسئولیت در پدران و مادران و آموزش اصول مدیریت در تصمیم‌گیری‌ها و همچنین کمک به سایر اعضای خانواده برای ارتقای سطح فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... به نحو شایسته است. قرآن کریم به عنوان کتاب مقدس اسلام، راهنمای جامعی برای زندگی مسلمانان است. یکی از موضوعات مهمی که در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته، نقش و مدیریت والدین در خانواده است. تحلیل و تفسیر این آیات با استفاده از منابع تفسیری معتبر صورت گرفته است. طبق آیات قرآن و مفاهیم ژرف نهج البلاغه، پدر با وجود شرایطی بر فرزند خود ولایت دارد یعنی مسئول اداره امور

معاش، تربیت، تحصیل، پرورش معنوی و ازدواج فرزند است. و مادر مدیر سر و سامان دادن فرزندان با مهر و عطف در خانواده است.

با وجود منابع بسیار غنی از آیات و روایات و سیره عملی معصومان (علیهم السلام) پژوهشی که به شکل جامع و کامل این منابع را بررسی و تحلیل کند و اصول مدیریت والدین را از متن آنها استخراج نماید، به دست نیامده است و بیشتر پژوهش‌ها بخشی از این منابع را متذکر شده‌اند و از بخش‌های دیگر، یا غفلت شده است یا اگر هم بحثی صورت پذیرفته، جامعیت لازم را ندارد و با توجه به چالش‌های تربیتی عصر حاضر مدیریت اثر بخش نبوده و تمام ویژگی‌های لازم را در بر نمی‌گیرد. هدف این نوشتار روشن ساختن اصول مدیریت والدین است که در آن، افق‌های جدیدی در اختیار پژوهشگران قرار گرفته و با نگاهی توصیفی _ تحلیلی به منابع اصیل اسلام یعنی قرآن کریم و نهج البلاغه، به بحث و بررسی راهبردهای مدیریت والدین در خانواده پرداخته شده است. و بر همین اساس، با ارائه راهکارهای جدیدی که در تداوم جریان تحقیق با آن مواجه است با آوردن نمونه‌های متعدد از منابع حدیثی و تفسیری به مصداق شناسی و نوع شناسی چالش‌ها و مدیریت والدین پرداخته و در این راستا شاهد مثال‌هایی برای تکمیل مباحث آورده است. در پژوهش‌های دیگر، به صورت جامع به مدیریت خانواده توجه نشده است. مقاله حاضر، در مقام پاسخگویی به این سؤالات است که: (۱) راهکارهای قرآن کریم و نهج البلاغه درباره مدیریت والدین در خانواده، برای مقابله با چالش‌های تربیتی نوپدید در عصر حاضر چیست؟

مدیریت خانواده و چالش‌های نوپدید در عصر حاضر
بارویکردی از آموزه‌های قرآن کریم و نهج البلاغه

مدیریت والدین در خانواده بارویکردی از آموزه‌های قرآن کریم

قرآن کریم به عنوان کتاب مقدس اسلام، راهنمای جامعی برای زندگی مسلمانان است. یکی از موضوعات مهمی که در قرآن مورد تأکید قرار گرفته، نقش و مدیریت والدین در خانواده است. این بخش به بررسی آیاتی می‌پردازد که به مدیریت والدین در خانواده و تربیت فرزندان اشاره دارد. تحلیل و تفسیر این آیات با استفاده از منابع تفسیری معتبر صورت گرفته است.

وظایف اخلاقی والدین در قرآن کریم

قرآن کریم وظایف اخلاقی بسیاری را برای والدین در تربیت فرزندان تعیین کرده است. یکی از این وظایف، رعایت عدالت و انصاف در برخورد با فرزندان است. به طور مثال آیه: "وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا" (سوره نساء، آیه ۹)؛ «و بترسند کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود به یادگار بگذارند [از ستم دیگران] بر آنان می‌ترسند، باید [از ستم درباره‌ی یتیمان مردم] بترسند! و از [مخالفت] خدا بپرهیزند، و سخنی استوار بگویند.»

آیه مذکور، والدین را به رعایت عدالت و انصاف در برخورد با فرزندان، به‌ویژه فرزندان ناتوان و ضعیف، فرامی‌خواند. خداوند متعال

با بیان این آیه، به والدین هشدار می‌دهد که اگر نگران آینده فرزندان خود هستند، باید از خدا بترسند و در تمام امور زندگی، از جمله تربیت فرزندان، عدالت را پیشه کنند.

در ادامه بحث به تفسیر آیه پرداخته می‌شود: ترس از آینده فرزندان: آیه با بیان جمله «وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ» به والدین یادآوری می‌کند که همه آن‌ها نگران آینده فرزندان خود هستند، به‌ویژه فرزندان ناتوان و ضعیف.

تقوای الهی: آیه سپس به والدین توصیه می‌کند که «فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ» یعنی از خدا بترسند. این ترس از خدا، انگیزه‌ای قوی برای رعایت عدالت و انصاف در تمام امور زندگی، از جمله تربیت فرزندان است.

گفتار سدید: در ادامه آیه آمده است که والدین باید «وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» یعنی سخنی راست و درست بگویند. این امر نشان می‌دهد که گفتار والدین در تربیت فرزندان بسیار مهم است و آن‌ها باید با گفتار نیکو و پندهای درست، فرزندان خود را تربیت کنند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ۵۰) آیه ۹ سوره نساء، یکی از مهم‌ترین آیات قرآن در مورد تربیت فرزندان است. این آیه به والدین یادآوری می‌کند که عدالت و انصاف در برخورد با فرزندان، از مهم‌ترین اصول تربیت اسلامی است. رعایت این اصل، باعث رشد و تعالی فرزندان و ایجاد خانواده‌ای سالم و موفق می‌شود. همچنین، این آیه به والدین هشدار می‌دهد که اگر نگران آینده فرزندان خود هستند، باید از خدا بترسند و با رفتار نیکو و گفتار درست، الگوی مناسبی برای آن‌ها باشند.

پیامدهای عدم رعایت عدالت: عدم رعایت عدالت در تربیت فرزندان، می‌تواند پیامدهای بسیار ناگواری برای خانواده و جامعه داشته باشد. از جمله این پیامدها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اختلاف و کدورت بین فرزندان: تبعیض و بی‌عدالتی در برخورد با فرزندان، می‌تواند باعث ایجاد اختلاف و کدورت بین آن‌ها شود و روابط خانوادگی را تیره کند. احساس تبعیض و محرومیت در فرزندان: فرزندی که احساس کند مورد تبعیض قرار گرفته است، ممکن است دچار احساس حقارت و کمبود شود و این امر بر شخصیت و رفتار او در آینده تأثیر منفی بگذارد. کاهش اعتماد به نفس: فرزندی که مورد تبعیض قرار می‌گیرد، اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهد و ممکن است در روابط اجتماعی و تحصیلی خود با مشکل مواجه شود. ضعف بنیان خانواده: عدم رعایت عدالت در خانواده، می‌تواند بنیان خانواده را سست کند و باعث فروپاشی آن شود (همان، ۵۱). در نتیجه تربیت فرزندان، یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های والدین است. والدین باید با رعایت اصول اسلامی و انسانی، از جمله عدالت و انصاف، فرزندان خود را تربیت کنند تا آن‌ها به افراد مفید و مؤمنی برای جامعه تبدیل شوند.

تأمین نیازهای روحی و روانی فرزندان

تأمین نیازهای روحی و روانی فرزندان یکی از مهم‌ترین وظایف والدین در اسلام است. این مسئولیت به معنای توجه به تمامی جنبه‌های احساسی، روانی و عاطفی کودکان و نوجوانان است که باعث رشد سالم و متعادل آن‌ها می‌شود. در آیه: "وَوَجَدَكَ عَائِلًا

فَأَعْنِي" (سوره ضحی، آیه ۸)، که اشاره به دوران کودکی و نوجوانی پیامبر اسلام (ص) دارد. در این آیه، خداوند به نیازهای روحی و روانی پیامبر در آن دوران پاسخ داده و او را از لحاظ عاطفی و روانی غنی کرده است. این توجه ویژه خداوند به پیامبر، الگویی برای والدین است که نشان می‌دهد توجه به نیازهای روحی و روانی فرزندان چقدر اهمیت دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ۱۲۳). از منظر اسلامی، تأمین نیازهای روحی و روانی فرزندان نه تنها شامل فراهم آوردن محیطی امن و آرام می‌شود، بلکه والدین باید درک عمیقی از احساسات و خواسته‌های فرزندان خود داشته باشند. طبق تفسیر المیزان، این مسئولیت والدین است که با محبت، توجه و درک درست از نیازهای فرزندان خود، محیطی ایجاد کنند که در آن کودکان و نوجوانان احساس امنیت و آرامش کنند و بتوانند در مسیر رشد و تعالی حرکت کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ۳۴۲). تأمین نیازهای روحی و روانی فرزندان می‌تواند شامل مواردی مانند ارائه محبت و توجه کافی، تشویق به بیان احساسات و مشکلات، ایجاد حس اعتماد به نفس، و آموزش مهارت‌های زندگی باشد. والدین باید با شناخت درست از شخصیت و نیازهای فرزندان خود، محیطی فراهم کنند که آن‌ها بتوانند در آن آزادانه رشد کنند و به تکامل برسند. این امر به‌ویژه در دنیای امروز، که فشارهای روانی و اجتماعی بسیاری بر کودکان و نوجوانان وارد می‌شود، از اهمیت بیشتری برخوردار است. از این رو، والدین باید به‌طور مداوم به بهبود و ارتقای شرایط روحی و روانی فرزندان خود توجه کنند. این توجه نه تنها به رشد سالم فرزندان کمک می‌کند، بلکه پایه‌گذار جامعه‌ای سالم و

متعادل نیز خواهد بود. در نهایت، تربیت فرزندانی که از لحاظ روحی و روانی قوی و سالم باشند، می‌تواند به تحقق اهداف الهی و انسانی منجر شود و باعث شود فرزندان به افرادی مؤثر و مفید برای جامعه تبدیل شوند.

تربیت اخلاقی و اجتماعی فرزندان

تربیت اخلاقی و اجتماعی فرزندان یکی از مهم‌ترین وظایف والدین در فرآیند رشد و پرورش نسل آینده است. والدین نه تنها باید به جنبه‌های فیزیکی و روحی فرزندان توجه کنند، بلکه باید از آغاز کودکی، اصول اخلاقی و اجتماعی را به فرزندان خود آموزش دهند. قرآن به این امر مهم اشاره دارد: "وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكَّا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ" (سوره بقره، آیه ۱۹۵). این آیه به والدین توصیه می‌کند که فرزندان خود را به انفاق و خیرخواهی در راه خدا تربیت کنند و آنان را از انجام کارهای ناپسند و مضر بازدارند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ۵۴۳). این آیه اهمیت آموزش اخلاقی به فرزندان را برجسته می‌کند. انفاق و خیرخواهی به عنوان یکی از اصول بنیادی در تربیت اسلامی، نه تنها به ایجاد حس نوع‌دوستی و مسئولیت‌پذیری در فرزندان کمک می‌کند، بلکه آن‌ها را برای زندگی اجتماعی و تعاملات مثبت با دیگران آماده می‌سازد. تربیت اخلاقی بر مبنای ارزش‌های الهی و انسانی، به فرزندان کمک می‌کند تا در مواجهه با چالش‌های اجتماعی و اخلاقی، انتخاب‌های درست و مسئولانه‌ای انجام دهند. والدین باید فرزندان خود را با اهمیت صداقت، عدالت، احسان، و دیگر ارزش‌های اخلاقی آشنا سازند. این آموزش‌ها باید به‌طور پیوسته و در تمامی مراحل رشد فرزندان انجام

شود. به عنوان مثال، تشویق به انجام اعمال خیر، کمک به دیگران، و احترام به حقوق دیگران، می‌تواند به شکل‌گیری شخصیت‌های اخلاق‌مدار و اجتماعی کمک کند. همچنین، والدین باید به فرزندان خود نشان دهند که عمل به این اصول نه تنها در سطح فردی بلکه در سطح اجتماعی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است و به بهبود جامعه و روابط انسانی کمک می‌کند. از سوی دیگر، تربیت اجتماعی فرزندان به معنای آموزش مهارت‌های ارتباطی، همکاری، و تعاملات مثبت با دیگران است. والدین باید فرزندان خود را به گونه‌ای تربیت کنند که توانایی همکاری با دیگران، احترام به تنوع فرهنگی و اجتماعی، و مدیریت تعارضات را داشته باشند. این مهارت‌ها به فرزندان کمک می‌کند تا در جامعه به عنوان افرادی مسئول و مفید ظاهر شوند و در بهبود و تقویت روابط اجتماعی نقش ایفا کنند. در نهایت، تربیت اخلاقی و اجتماعی فرزندان یکی از ارکان اساسی در ساختن جامعه‌ای سالم و متعادل است. والدین با آموزش اصول اخلاقی و اجتماعی به فرزندان خود، می‌توانند نسل آینده را برای زندگی در جامعه‌ای مسئولانه، عادلانه و همراه با ارزش‌های الهی آماده کنند. این مسئولیت والدین است که با شناخت عمیق از نیازهای فرزندان و جامعه، آن‌ها را به سمت رشد اخلاقی و اجتماعی هدایت کنند.

تربیت دینی فرزندان

آموزش آموزه‌های دینی به فرزندان یکی از وظایف اصلی والدین است. در قرآن آمده است: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ

نَارًا" (سوره تحریم، آیه ۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده‌هایتان را از آتش دوزخ حفظ کنید.

این آیه شریفه به صراحت، مسئولیت سنگینی را بر دوش مؤمنان قرار می‌دهد که نه تنها خودشان باید از آتش دوزخ بپرهیزند، بلکه باید خانواده‌هایشان را نیز از این عذاب الهی حفظ کنند. واژه "أهلیکم" در این آیه شامل همسر، فرزندان و تمامی کسانی می‌شود که تحت سرپرستی مؤمن هستند.

تفسیر آیه: وظیفه والدین در تربیت دینی: این آیه به وضوح بیان می‌کند که تربیت دینی فرزندان، تنها به آموزش احکام و عقاید محدود نمی‌شود، بلکه شامل حفظ آنان از گناهان و انحرافات اخلاقی نیز می‌شود. والدین باید با عمل به آموزه‌های دینی و اخلاقی، الگوی مناسبی برای فرزندان خود باشند.

اهمیت تربیت خانوادگی: خانواده، اولین و مهم‌ترین محیطی است که کودک در آن رشد می‌کند و شخصیت او شکل می‌گیرد. بنابراین، تربیت دینی در محیط خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مسئولیت سنگین والدین: آیه شریفه، والدین را مسئول اعمال و رفتار فرزندان خود می‌داند و آنان را به مراقبت از فرزندان در برابر گناهان و لغزش‌ها فرامی‌خواند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ۱۲۳).

بنابراین آیه ۶ سوره تحریم، یکی از صریح‌ترین آیاتی است که بر اهمیت تربیت دینی فرزندان و مسئولیت والدین در این زمینه تأکید می‌کند. این آیه، والدین را به عنوان حافظان و نگهبانان فرزندان

معرفی می‌کند که باید آنان را از هرگونه آسیبی، چه آسیب‌های دنیوی و چه آسیب‌های اخروی، حفظ کنند.

مبانی نظری تربیت دینی فرزندان از منظر قرآن و اهل بیت (ع):

الگو بودن والدین: والدین باید با رفتار و کردار خود، الگوی مناسبی برای فرزندان باشند.

آموزش عملی احکام و معارف دینی: آموزش باید به صورت عملی و همراه با مثال‌های عینی باشد.

توجه به تفاوت‌های فردی: هر کودکی شخصیت و توانایی‌های منحصر به فردی دارد. بنابراین، روش‌های تربیتی باید متناسب با ویژگی‌های هر کودک باشد.

اهمیت گفتگو و مشاوره: والدین باید با فرزندان خود گفتگو کنند و به سوالات آن‌ها پاسخ دهند.

تشویق و تنبیه مناسب: تشویق و تنبیه، دو ابزار مهم در تربیت هستند که باید به صورت متعادل و مناسب استفاده شوند. (همان، ۱۲۴)

امام علی (ع) می‌فرماید: "كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ" (هر یک از شما چوپان هستید و هر یک از شما مسئول گوسفندان تحت رعایت خود هستید). این حدیث نشان می‌دهد که هر فردی در جامعه مسئولیت‌هایی دارد و والدین نیز مسئولیت تربیت فرزندان خود را بر عهده دارند.

پس تربیت دینی فرزندان، یکی از مهم‌ترین وظایف والدین است. قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع)، مبانی و اصول مهمی را برای تربیت صحیح فرزندان ارائه می‌دهند. با عمل به این آموزه‌ها، والدین

می‌توانند فرزندان صالحی را تربیت کنند که افتخار آخرت و عزت دنیا برای آنان باشند.

نقش والدین در ایجاد محیطی امن و آرام

والدین نقش اساسی در ایجاد محیطی امن و آرام برای فرزندان دارند. در آیه ۲۱ سوره روم آمده است: "وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً" (سوره روم، آیه ۲۱)؛ و از نشانه‌های قدرت او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا به آن‌ها آرامش یابید و در میان شما مودت و رحمت قرار داد. این آیه شریفه به یکی از مهم‌ترین نعمت‌های الهی، یعنی تشکیل خانواده و ایجاد آرامش در آن اشاره می‌کند. خداوند متعال با آفرینش زوجین، بستری را فراهم کرده است تا انسان‌ها در سایه محبت و رحمت یکدیگر، زندگی آرام و سعادت‌مندی داشته باشند.

در تفسیر آیه به نکات مهمی پرداخته می‌شود: خانواده؛ پناهگاه آرامش: آیه شریفه به صراحت بیان می‌کند که خانواده باید محیطی امن و آرام برای افراد باشد. والدین به‌عنوان پایه‌های اصلی خانواده، مسئولیت ایجاد این محیط آرام را بر عهده دارند.

اهمیت محبت و رحمت: مودت و رحمت، دو عنصر کلیدی در روابط خانوادگی هستند. والدین باید با ابراز محبت و مهربانی نسبت به فرزندان، محیطی سرشار از آرامش و امنیت را برای آن‌ها فراهم کنند.

ارتباط عاطفی قوی: ایجاد ارتباط عاطفی قوی بین والدین و فرزندان، از مهم‌ترین عوامل ایجاد محیطی امن و آرام در خانواده

است. تأثیر محیط خانواده بر رشد کودک: محیط خانواده، اولین و مهم‌ترین محیطی است که کودک در آن رشد می‌کند و شخصیت او شکل می‌گیرد. بنابراین، محیطی که در آن کودک رشد می‌کند، تأثیر مستقیمی بر شخصیت، رفتار و آینده او خواهد داشت. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ۳۵۶). آیه شریفه ۲۱ سوره روم، به طور ضمنی به نقش والدین در ایجاد محیطی امن و آرام برای فرزندان اشاره می‌کند. این آیه نشان می‌دهد که خانواده، به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی، باید محیطی باشد که در آن افراد احساس امنیت، آرامش و تعلق داشته باشند. والدین با ایجاد روابط عاطفی قوی، ابراز محبت و مهربانی، و ایجاد محیطی سرشار از آرامش، می‌توانند نقش مهمی در رشد و تعالی فرزندان خود ایفا کنند.

مبانی نظری ایجاد محیطی امن و آرام در خانواده از منظر قرآن و اهل بیت (ع):

اهمیت خانواده: خانواده، کوچکترین واحد جامعه و مهم‌ترین محیط برای رشد و تعالی انسان است.

نقش محبت و مهربانی: محبت و مهربانی، دو عنصر کلیدی در روابط خانوادگی هستند.

اهمیت ارتباط موثر: ارتباط موثر بین والدین و فرزندان، از عوامل مهم در ایجاد محیطی امن و آرام است.

توجه به نیازهای روانی و عاطفی کودکان: والدین باید به نیازهای روانی و عاطفی فرزندان خود توجه کنند.

قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع)، مبانی و اصول مهمی را برای ایجاد چنین محیطی ارائه می‌دهند. بنابراین با عمل به این آموزه‌ها، والدین می‌توانند فرزندان سالم و موفق را تربیت کنند.

مدیریت والدین در خانواده از دیدگاه نهج البلاغه

نهج البلاغه، مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار امام علی (ع)، منبعی گران‌بها برای درک آموزه‌های اسلامی در زمینه‌های مختلف زندگی، از جمله مدیریت خانواده و وظایف والدین است. امام علی (ع) در این اثر ارزشمند به مسائل مختلف تربیتی، اخلاقی و مدیریتی پرداخته و توصیه‌های عملی و اخلاقی برای والدین ارائه کرده است. در ادامه، به بررسی و تحلیل توصیه‌های نهج البلاغه در زمینه مدیریت والدین در خانواده پرداخته می‌شود.

توصیه‌های نهج البلاغه برای مدیریت والدین در خانواده

نهج البلاغه، به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع اسلامی، توصیه‌های بسیاری برای مدیریت والدین در خانواده ارائه می‌دهد. امام علی (ع) در این اثر به وظایف و مسئولیت‌های والدین اشاره کرده و راهکارهایی برای مواجهه با چالش‌های خانوادگی را بیان نموده است.

تقویت اعتماد به نفس در فرزندان

تقویت اعتماد به نفس در فرزندان از جمله مسائلی است که امام علی (ع) در نهج البلاغه به آن توجه خاصی داشته است. ایشان با بینشی عمیق نسبت به روان‌شناسی انسان، به اهمیت ایجاد و تقویت اعتماد به نفس در فرزندان اشاره کرده و والدین را به تقویت این ویژگی مهم

در آن‌ها تشویق می‌کند. در نهج البلاغه آمده است: "إِنَّمَا تَسُوْسُ الْقُلُوبَ تَحْتَ الصِّدْرِ تَسُوْسُهُ الثَّقَةُ بِاللَّهِ" (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴، ۶۸۷). این جمله به معنای "دل را تنها اعتماد به خداوند هدایت می‌کند" است و نشان می‌دهد که اعتماد به خداوند به عنوان اساس و ریشه اعتماد به نفس در انسان‌ها است. در تفسیر این بیان، می‌توان گفت که اعتماد به نفس در فرزندان باید از طریق تربیت صحیح و مبتنی بر ایمان و توکل به خداوند تقویت شود. امام علی (ع) به این نکته اشاره می‌کند که زمانی که قلب انسان به خداوند اعتماد داشته باشد، این اعتماد به نفس نیز در رفتار و عملکرد او بروز پیدا می‌کند. بنابراین، والدین باید در مسیر تربیت فرزندان خود، به آن‌ها بیاموزند که به توانایی‌ها و قابلیت‌های خود اعتماد داشته باشند و این اعتماد را با توکل به خداوند تقویت کنند. امام علی (ع) همچنین در دیگر بخش‌های نهج البلاغه بر اهمیت اعتماد به نفس تأکید کرده و والدین را تشویق می‌کند که فرزندان خود را به گونه‌ای تربیت کنند که در مواجهه با چالش‌ها و مشکلات زندگی، اعتماد به نفس کافی برای مقابله با آن‌ها داشته باشند (مصطفوی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۰). ایجاد اعتماد به نفس در فرزندان نه تنها باعث می‌شود که آن‌ها در زندگی فردی موفق‌تر باشند، بلکه به آن‌ها کمک می‌کند تا در جامعه نیز نقش مثبتی ایفا کنند و به افراد مفید و مؤثری تبدیل شوند. بنابراین، از منظر نهج البلاغه، اعتماد به نفس یکی از پایه‌های اساسی شخصیت فرزندان است که والدین باید با دقت و توجه به آن پردازند. این اعتماد به نفس از طریق آموزش ارزش‌های دینی، تشویق به استقلال و تقویت اراده در فرزندان به دست می‌آید. امام علی (ع) با تأکید بر اهمیت

اعتماد به نفس و ارتباط آن با ایمان به خداوند، راهنمایی‌های ارزشمندی را برای والدین ارائه می‌دهد تا بتوانند این ویژگی مهم را در فرزندان خود تقویت کنند و آن‌ها را برای مواجهه با زندگی آماده سازند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۵۴۳). در نتیجه، نهج البلاغه به عنوان یکی از منابع اصلی تربیتی در اسلام، بر اهمیت تقویت اعتماد به نفس در فرزندان تأکید می‌کند و به والدین توصیه می‌کند تا با ایجاد محیطی مثبت و حمایت‌کننده، به فرزندان خود کمک کنند تا اعتماد به نفس خود را پیدا کرده و آن را در تمامی مراحل زندگی به کار گیرند.

تعهد به آموزش و پرورش

تعهد به آموزش و پرورش فرزندان یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌هایی است که امام علی (ع) در نهج البلاغه به آن اشاره کرده و تأکید بسیاری بر آن دارد. از دیدگاه امام علی (ع)، والدین نه تنها مسئول تأمین نیازهای مادی فرزندان هستند، بلکه باید به تربیت علمی و اخلاقی آن‌ها نیز توجه ویژه‌ای داشته باشند. در نهج البلاغه آمده است: "لِرِاعِ وَالِدُهُ أَهْلُهُ لَهُ دَوَامُ الْعِلْمِ مَا وَرَثَ آبَاءُهُ مِنْهُ" (نهج البلاغه، حکمت ۸۸، ۴۱۲). این جمله بیانگر اهمیت تداوم و گسترش علم و دانش در نسل‌های آینده است و تأکید می‌کند که والدین باید این وظیفه را به طور جدی بپذیرند و در راستای آموزش و پرورش فرزندان خود تلاش کنند. در این بیان، امام علی (ع) به اهمیت انتقال دانش از والدین به فرزندان اشاره می‌کند و والدین را به رعایت این مسئولیت مهم فرا می‌خواند. این موضوع نشان می‌دهد که دانش و علم باید به عنوان یک میراث ارزشمند از یک نسل به نسل بعدی

منتقل شود و این امر تنها از طریق تعهد والدین به آموزش و پرورش فرزندان ممکن است. امام علی (ع) با تأکید بر این مسئله، والدین را به ایجاد فرصت‌های آموزشی و تربیتی برای فرزندانشان تشویق می‌کند و این مسئولیت را به عنوان یکی از اصول اساسی در تربیت فرزندان معرفی می‌کند.

از منظر نهج البلاغه، آموزش و پرورش نه تنها به معنای انتقال دانش‌های نظری است، بلکه شامل تربیت اخلاقی و دینی نیز می‌شود. امام علی (ع) بر این باور است که والدین باید فرزندان خود را به گونه‌ای تربیت کنند که در کنار تحصیل علم، ارزش‌های اخلاقی و دینی را نیز بیاموزند و در زندگی خود به کار گیرند. این نوع تربیت باعث می‌شود که فرزندان نه تنها به انسان‌های دانا تبدیل شوند، بلکه افرادی با اخلاق و مسئولیت‌پذیر باشند که می‌توانند به جامعه خدمت کنند (مصطفوی، ۱۳۸۱، ص ۲۸۹). پرواضح است که از دیدگاه امام علی (ع)، آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین وظایف والدین است که باید با دقت و توجه بسیار به آن پرداخته شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۴۳۲). در نتیجه، از منظر نهج البلاغه، تعهد به آموزش و پرورش فرزندان یکی از وظایف اساسی والدین است که نه تنها برای تربیت نسل‌های آینده بلکه برای ساختن یک جامعه آگاه و متعهد ضروری است. والدین باید با ایجاد فرصت‌های مناسب آموزشی و تربیتی، فرزندان خود را در مسیر رشد و پیشرفت قرار دهند و مسئولیت این امر را به طور کامل بپذیرند و اجرایی کنند.

ارزش‌های اخلاقی در تربیت والدین

تربیت از منظر نهج البلاغه به مراتب فراتر از انتقال صرف دانش و آموزش‌های ابتدایی است و در واقع به مثابه یک فرآیند جامع و همه‌جانبه تلقی می‌شود که نه تنها به انتقال دانش، بلکه به انتقال ارزش‌های اخلاقی و پرورش رفتارهای شایسته انسانی نیز می‌پردازد. در این دیدگاه، والدین نه تنها به عنوان آموزش‌دهندگان، بلکه به عنوان الگوهای رفتاری و اخلاقی برای فرزندان خود نقش ایفا می‌کنند. امام علی (علیه‌السلام) در نهج البلاغه، ارزش‌های اخلاقی را به عنوان یکی از ارکان اساسی تربیت معرفی می‌کند. به عنوان مثال، در حکمت ۹۳ از این کتاب شریف، حضرت می‌فرماید: "وَمَنْ أَحْسَنَ تَرْبِيَتَهُ آتَاهُ اللَّهُ غَنَاهُ"؛ یعنی "هر کس که تربیت فرزندش را به خوبی انجام دهد، خداوند به او غنای [بزرگ] عطا خواهد کرد" (نهج البلاغه، حکمت ۹۳، ۴۱۸). این بیان نه تنها نشان‌دهنده اهمیت تربیت فرزندان در نزد خداوند است، بلکه بر این نکته تأکید دارد که تربیت صحیح و اصولی به نوعی سرمایه‌گذاری است که منجر به غنای روحی و مادی در زندگی والدین و فرزندان می‌شود. در تفسیر این حکمت، بسیاری از مفسران بر این باورند که منظور از "غنا" در اینجا تنها غنای مادی نیست، بلکه غنای معنوی و روحی نیز مراد است. تربیت صحیح که بر پایه ارزش‌های اخلاقی و انسانی بنا شده باشد، موجب می‌شود که فرد به سرمایه‌ای عظیم از انسانیت و فضائل اخلاقی دست یابد، سرمایه‌ای که نه تنها در زندگی دنیوی بلکه در آخرت نیز موجب فلاح و رستگاری او خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۴۱۸). این امر نشان می‌دهد که تربیت از دیدگاه نهج البلاغه تنها به آموزش دانسته‌های علمی و دینی محدود نمی‌شود، بلکه

والدین باید به تربیت اخلاقی و پرورش شخصیت فرزندان خود نیز توجه ویژه‌ای داشته باشند. والدین باید خود نمونه‌ای از رفتارهای اخلاقی و اجتماعی باشند تا فرزندان از آن‌ها یاد بگیرند و در زندگی خود به کار گیرند. به عبارت دیگر، تربیت از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) یک فرآیند جامع است که شامل تعلیم، تمرین و تطبیق ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی در زندگی روزمره است. یکی دیگر از ابعاد مهم تربیت از منظر نهج البلاغه، ارتباط تنگاتنگ میان والدین و فرزندان و تأثیر مستقیم رفتارهای والدین بر فرزندان است. امام علی (علیه‌السلام) در نامه‌ای به فرزند خود، امام حسن (علیه‌السلام)، می‌فرماید: "إِنَّمَا قَلْبُ الْوَلَدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ"؛ یعنی "دل کودک مانند زمین خالی است که هر چه در آن بکاری، آن را می‌پذیرد" (نهج البلاغه، نامه ۳۱، ۵۷۸). این فرمایش نشان‌دهنده این است که دوران کودکی مهم‌ترین و حساس‌ترین دوره برای پرورش و تربیت اخلاقی و انسانی است و والدین باید از این فرصت به بهترین نحو استفاده کنند (طبرسی، ۱۳۸۰: ۵۷۸). به طور کلی، نهج البلاغه به والدین توصیه می‌کند که در تربیت فرزندان خود از روش‌هایی استفاده کنند که نه تنها باعث انتقال دانش، بلکه موجب تقویت ارزش‌های اخلاقی و انسانی در فرزندان شود. در این راستا، والدین باید همواره تلاش کنند تا خود به عنوان الگویی از ارزش‌های اخلاقی و دینی باشند تا بتوانند این ارزش‌ها را به طور مؤثر به فرزندان خود منتقل کنند.

ایجاد محیط مؤثر برای رشد و توسعه فرزندان

نهج البلاغه به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع اسلامی، به تربیت و رشد فرزندان توجه ویژه‌ای دارد و والدین را به ایجاد محیطی مؤثر و سازنده برای رشد و توسعه فرزندان خود توصیه می‌کند. این محیط باید به گونه‌ای باشد که از لحاظ روحی، فرهنگی و اجتماعی برای فرزندان امنیت و آرامش فراهم آورد و بستری مناسب برای شکوفایی استعدادهای آنان ایجاد کند. در این راستا، امام علی (علیه‌السلام) تأکید دارند که محیط خانوادگی و اجتماعی می‌تواند تأثیر مستقیم و عمیقی بر اخلاق و رفتار فرزندان داشته باشد. در خطبه ۱۷۶ نهج البلاغه، امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: "وَبِسُوءِ النَّشْأَةِ يَسُوءُ الْأَخْلَاقُ"؛ یعنی "و به سبب پرورش نادرست، اخلاق ناپسند می‌گردد" (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶، ۶۷۱). این بیان به روشنی نشان می‌دهد که پرورش و محیطی که فرد در آن رشد می‌کند، نقشی اساسی در شکل‌گیری اخلاق و رفتار او دارد. اگر محیط خانوادگی یا اجتماعی فرد از لحاظ تربیتی دچار نقصان باشد، این نقصان به طور مستقیم بر رفتار و اخلاقیات فرد اثر می‌گذارد و می‌تواند او را به سمت انحراف و ناپسندی سوق دهد. از دیدگاه نهج البلاغه، محیطی که والدین برای رشد و توسعه فرزندان فراهم می‌آورند باید از ویژگی‌های خاصی برخوردار باشد. نخستین ویژگی این محیط، آرامش و امنیت روحی است. فرزندان نیازمند محیطی هستند که در آن احساس امنیت و آرامش کنند تا بتوانند بدون دغدغه‌های خارجی به رشد فکری و اخلاقی بپردازند. به عنوان مثال، امام علی (علیه‌السلام) در نامه‌ای به مالک اشتر، به اهمیت فراهم آوردن عدالت و انصاف در جامعه اشاره می‌کند که می‌تواند به ایجاد محیطی امن

و آرام برای رشد و توسعه فردی و اجتماعی کمک کند (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ۹۴۹). در چنین محیطی، کودکان می‌توانند با اطمینان خاطر به کسب دانش و پرورش اخلاقی خود پردازند. ویژگی دوم محیط مؤثر، توجه به ابعاد فرهنگی و اجتماعی است. محیطی که در آن ارزش‌های دینی و فرهنگی مورد توجه قرار می‌گیرد، می‌تواند بستری مناسب برای تربیت فرزندان بر اساس این ارزش‌ها فراهم آورد. امام علی (علیه‌السلام) همواره بر اهمیت تربیت دینی و فرهنگی تأکید داشته و والدین را به این امر تشویق می‌کنند که فرزندان خود را در محیط‌هایی پرورش دهند که ارزش‌های انسانی و اسلامی در آن محترم شمرده شود. ایشان در نامه ۳۱ خطاب به امام حسن (علیه‌السلام) می‌فرمایند: "اَكْرِمُ نَفْسَكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ وَإِنْ سَأَتَكَ إِلَى الرَّغَائِبِ؛" یعنی "خودت را از هر پستی و فرومایگی دور نگه دار، هرچند که تو را به سوی آرزوهای نفسانی بکشاند" (نهج البلاغه، نامه ۳۱، ۵۷۸). این سفارش نشان‌دهنده اهمیت محیط فرهنگی و اجتماعی در تربیت و پرورش شخصیت فرزندان است. از منظر نهج البلاغه، ارتباطات خانوادگی نیز نقشی حیاتی در شکل‌دهی به محیط تربیتی دارند. محیطی که در آن ارتباطات میان اعضای خانواده صمیمانه و محترمانه باشد، می‌تواند بستری مناسب برای رشد و توسعه فرزندان ایجاد کند. امام علی (علیه‌السلام) در سخنان خود بر اهمیت محبت و احترام میان اعضای خانواده تأکید کرده و آن را به عنوان یکی از ارکان اساسی تربیت صحیح معرفی می‌کنند. ایشان در یکی از خطبه‌ها می‌فرمایند: "الْوَالِدُ سَاحَةٌ كَبِيرَةٌ مِنَ الْمَحَبَّةِ؛" یعنی "پدر میدان بزرگی از محبت است" (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۴، ۳۴۵). این

بیان نشان‌دهنده این است که محبت و احترام در خانواده، زمینه‌ساز رشد و پرورش صحیح فرزندان است. در نهایت، از دیدگاه نهج البلاغه، محیط تربیتی مؤثر محیطی است که در آن، هم بُعد روحی و روانی، هم بُعد فرهنگی و هم بُعد اجتماعی فرزندان مورد توجه قرار گیرد. والدین موظف‌اند که این ابعاد را در تربیت فرزندان خود در نظر گرفته و محیطی را فراهم آورند که در آن، فرزندان بتوانند به بهترین شکل ممکن رشد کرده و به انسان‌هایی با اخلاق و شخصیت برجسته تبدیل شوند.

مسئولیت در پرورش فرزندان

نهج البلاغه به عنوان یکی از منابع ارزشمند اسلامی، تربیت و پرورش فرزندان را یکی از مهم‌ترین و مقدس‌ترین وظایف والدین می‌داند. از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام)، والدین مسئولیت عظیمی در قبال فرزندان خود دارند و باید این وظیفه را با نهایت دقت، پایداری و اهتمام به انجام برسانند. تربیت فرزندان نه تنها یک وظیفه خانوادگی بلکه یک وظیفه دینی و اجتماعی است که اثرات آن در آینده فرد و جامعه تجلی خواهد یافت. یکی از نکات برجسته‌ای که حضرت در نهج البلاغه به آن اشاره می‌کنند، اهمیت آموزش مهارت‌های اساسی به فرزندان است. ایشان در حکمت ۷۸ می‌فرمایند: "وَتَعَلَّمَ لَهُ الْكِتَابَةَ وَالْقِرَاءَةَ فَإِنَّ الْكِتَابَةَ عَصَابَةُ الْحَدِيثِ وَمُجَانِبَةُ الْفَرِيقَةِ؛" یعنی "به او نوشتن و خواندن را بیاموز، چرا که نوشتن باعث حفظ سخن و دوری از اشتباه است" (نهج البلاغه، حکمت ۷۸، ۳۸۹). این سخن نشان می‌دهد که والدین باید به تعلیم و تربیت مهارت‌های پایه‌ای زندگی، همچون خواندن و نوشتن، توجه ویژه‌ای داشته باشند.

از دیدگاه نهج البلاغه، مهارت‌های زندگی اساسی مانند خواندن و نوشتن نه تنها ابزارهایی برای یادگیری و ارتباط هستند، بلکه نقش حیاتی در شکل‌دهی شخصیت و آینده فرد ایفا می‌کنند. امام علی (ع) تأکید دارند که این مهارت‌ها به عنوان پایه‌ای برای سایر دانش‌ها و مهارت‌ها عمل می‌کنند و فرد را قادر می‌سازند تا در زندگی اجتماعی موفق و مؤثر باشد. مفسران نهج البلاغه نیز بر این باورند که این تعالیم به نوعی والدین را به مسئولیت‌پذیری در تربیت فرزندان دعوت می‌کند و اهمیت آموزش‌های اولیه را برجسته می‌سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۳۸۹). از سوی دیگر، این توصیه‌ها نشان‌دهنده این است که تربیت فرزندان باید جامع و متعادل باشد، به گونه‌ای که هم به جنبه‌های اخلاقی و معنوی و هم به جنبه‌های علمی و عملی زندگی آن‌ها توجه شود. امام علی (علیه‌السلام) با این بیان، والدین را به تأمل و تفکر در مورد وظایف خود در قبال فرزندان فرا می‌خواند و از آن‌ها می‌خواهد که به پرورش همه‌جانبه فرزندان بپردازند. در بخش دیگری از نهج البلاغه، امام علی (علیه‌السلام) بر لزوم رعایت عدالت در تربیت فرزندان تأکید می‌کنند و می‌فرمایند: "إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ أَنْ تُنْصِفَهُمْ نَفْسُكَ وَوَلَدُكَ"؛ یعنی "شایسته‌ترین افراد برای رعایت عدالت، خودت و فرزندان هستند" (نهج البلاغه، نامه ۳۱، ۵۷۸). این بیان به والدین یادآور می‌شود که علاوه بر آموزش مهارت‌ها، باید در تربیت فرزندان خود عدالت و انصاف را رعایت کنند و به هر یک از فرزندان به اندازه نیاز و ظرفیتشان توجه داشته باشند. مسئولیت تربیت فرزندان از دیدگاه نهج البلاغه یک وظیفه مقدس است که باید با نهایت دقت و توجه انجام شود. امام علی (ع) با تأکید بر اهمیت

آموزش مهارت‌های اساسی زندگی، والدین را به مسئولیت‌پذیری در قبال فرزندان فرا می‌خواند و آنان را به ایجاد محیطی مناسب برای رشد و توسعه همه‌جانبه فرزندان دعوت می‌کنند. این وظیفه نه تنها به نفع فرزندان بلکه به نفع جامعه نیز است، چرا که فرزندان امروز، سازندگان جامعه فردا هستند.

تقویت ارتباطات خانوادگی

نهج البلاغه به عنوان یکی از متون برجسته اسلامی، اهمیت ویژه‌ای به ارتباطات خانوادگی قائل است و آن را به عنوان یکی از ارکان اساسی تربیت و پرورش فرزندان معرفی می‌کند. ارتباطات صمیمی و معنوی میان والدین و فرزندان نه تنها پایه‌ای برای تقویت بنیان خانواده است، بلکه به عنوان یک ابزار مؤثر در تربیت صحیح و رشد اخلاقی و اجتماعی فرزندان نیز عمل می‌کند. از دیدگاه امام علی (ع)، ارتباطات خانوادگی باید به گونه‌ای باشد که فرزندان احساس امنیت، محبت و احترام را تجربه کنند. امام علی (ع) می‌فرمایند: "وَتَقَفَّهُوا الصَّغِيرَ وَعَلَّمُوهُ النَّفْسَ وَأَقْنُوهُ عَلَى الْحَيَاءِ"؛ یعنی "به امور کوچک فرزندان خود دقت کنید، به آن‌ها راه نفس کشیدن را بیاموزید و به حیاء وادارشان کنید" (نهج البلاغه، حکمت ۸۹، ۴۱۱). این بیان نشان می‌دهد که والدین باید به نیازها و مشکلات کوچک فرزندان خود توجه ویژه‌ای داشته باشند و از برقراری ارتباط صمیمی و فعال با آن‌ها غافل نشوند. از دیدگاه نهج البلاغه، توجه به جزئیات در تربیت فرزندان بسیار مهم است و این توجه باید در بستر ارتباطات صمیمی و فعال میان والدین و فرزندان قرار گیرد. امام علی (علیه‌السلام) در این حکمت، به والدین توصیه می‌کنند که به امور کوچک فرزندان

خود توجه کنند. این توجه به جزئیات نه تنها باعث تقویت ارتباط میان والدین و فرزندان می‌شود، بلکه به فرزندان احساس امنیت و ارزشمندی می‌بخشد، چرا که آن‌ها احساس می‌کنند که نیازها و مسائلشان از سوی والدین به رسمیت شناخته می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۴۱۱). ارتباط صمیمی میان والدین و فرزندان از نظر نهج البلاغه شامل گفت‌وگوهای معنادار و توجه به مسائل و نیازهای روحی و روانی فرزندان است. این نوع ارتباط نه تنها به حل مشکلات و رفع نیازهای روزمره کمک می‌کند، بلکه باعث تقویت بنیان‌های اخلاقی و دینی در فرزندان می‌شود. امام علی (علیه‌السلام) با تأکید بر "نفقد" (یعنی دقت و توجه دقیق) و "تعلیم" (آموزش)، به والدین یادآوری می‌کنند که تربیت و پرورش فرزندان نیازمند توجه دقیق و ارتباطات مستمر و معنادار است. والدین باید همواره در کنار فرزندان خود باشند و آن‌ها را در تمام مراحل زندگی همراهی کنند، تا از این طریق بتوانند به تربیت فرزندان صالح و موفق دست یابند.

اهمیت حیات و تقوا در ارتباطات خانوادگی

در ادامه این حکمت، امام علی (علیه‌السلام) بر "حیات" و تقویت آن در فرزندان تأکید دارند. حیات، به عنوان یکی از فضائل اخلاقی مهم، در تعاملات خانوادگی نقش کلیدی ایفا می‌کند و باعث می‌شود که فرزندان از انجام رفتارهای ناپسند و انحرافات اخلاقی دوری کنند. از این رو، ارتباطات صمیمی والدین با فرزندان نه تنها باید برای برقراری امنیت و محبت باشد، بلکه باید به گونه‌ای باشد که ارزش‌های اخلاقی و دینی مانند حیات و تقوا نیز در فرزندان تقویت شود. این تأکید بر حیات نشان‌دهنده این است که ارتباطات خانوادگی نه تنها بُعد عاطفی

دارد، بلکه باید به پرورش اخلاق و تقوا نیز منجر شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۱۱).

نقش والدین در برقراری ارتباطات خانوادگی مؤثر

والدین در برقراری و حفظ ارتباطات خانوادگی مؤثر نقش محوری دارند. امام علی (علیه‌السلام) بارها بر اهمیت این نقش تأکید کرده و والدین را به ایجاد ارتباطات فعال و معنادار با فرزندان تشویق می‌کند. از دیدگاه نهج البلاغه، والدین باید به عنوان رهبران اخلاقی و معنوی خانواده، همواره در تلاش باشند تا ارتباطاتی صمیمی، صادقانه و پایدار با فرزندان خود برقرار کنند. این ارتباطات نه تنها به رشد و توسعه شخصیت فرزندان کمک می‌کند، بلکه باعث می‌شود که آن‌ها به انسان‌هایی با ارزش‌های اخلاقی والا تبدیل شوند (مطهری، ۱۳۷۸: ۳۲۳). در نهایت، نهج البلاغه به والدین توصیه می‌کند که مسئولیت تقویت ارتباطات خانوادگی را جدی بگیرند و از هر فرصتی برای برقراری این ارتباطات استفاده کنند. ارتباطات صمیمی و با معنا با فرزندان، پایه‌ای است برای تربیت صحیح و پرورش نسلی صالح و موفق. این ارتباطات باید به گونه‌ای باشد که در آن محبت، احترام، و ارزش‌های اخلاقی و دینی به طور مستمر فعال تقویت شود.

نتیجه‌گیری

با بررسی راهبردهای مدیریت والدین، از نگاه قرآن کریم و نهج البلاغه و تأثیر آن بر کاهش اختلافات و تنش‌های خانوادگی و اجتماعی، می‌توان دریافت که: ۱- در تأمین نیازهای روحی و روانی فرزندان، والدین می‌توانند با عدالت و انصاف در تمام امور، ایجاد

آموزش در مواجهه با محبت‌های جعلی در فضای مجازی، توجه نمایند به نحوی که گرفتار طعمه شیادان و سودجویان در جامعه قرار نگیرند. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رعایت عدالت و انصاف در آموزش مهارت‌های زندگی، ارتباط صمیمی و فعال در خانواده، توجه به ارزش‌های اخلاقی و دینی در آن منجر به افزایش همدلی و تفاهم میان اعضای خانواده، کاهش چالش‌های تربیتی و بهبود روابط اجتماعی می‌گردد و والدین می‌توانند، با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی و نهج البلاغه، فرزندان خود را از تأثیرات منفی چالش‌های تربیتی عصر حاضر محافظت نموده و نقش فعال و پویایی در ساختن آینده‌ای امیدبخش، برای آنان ایفا کنند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

References

- The Holy Quran (2016). Translated by Mohammad Mehdi Foladi, Qom: Dar al-Quran al-Karim Publications.
- Nahjul-Balagha (Bita). Translated by Seyyed Jafar Shahidi, Tehran: Scientific and Cultural Publications (1990).
- Translated by Mohammad Dashti, Tehran: Asvab Publications.
- Ibn Abi al-Hadid, Abdul Hamid. (2018). Commentary on Nahjul-Balagha. Qom: Islamic Publications.
- Ehsani, Mohammad (1999), Family Management and Its Educational Functions from the Perspective of the Quran and Hadith, Islamic Humanities Research Journal, Volume 8, Number 15.
- Azarbaijani, Masoud, Shojaei, Mohammad Sadeq (2010), Psychology in Nahjul-Balagha, Qom: Hawza and University Research Institute.
- Amini, Ibrahim (2012), Marriage. Qom: Bostan Ketab Institute.
- Ansarian, Hossein (2015), Family System in Islam, 36th edition. Qom: Umm Abiha Publications.
- Shamili, Zohra (2011), Family Management from the Perspective of the Quran (Master's Thesis), University of Holy Quran Sciences and Education - Qom: Faculty of Quranic Sciences.

- حس اعتماد به نفس، آموزش مهارت‌های زندگی و با شناخت عمیق از نیازهای فرزندان و جامعه، آنها را به سمت رشد اخلاقی و اجتماعی هدایت کنند. ۲- بر اساس آموزه‌های دو منبع گرانقدر، والدین باید با رفتار و کردار خود، الگوی مناسبی برای فرزندان باشند. ۳- اعتماد به نفس یکی از پایه‌های اساسی شخصیت فرزندان است که با ایجاد محیطی مثبت و حمایت‌کننده فرزندان خود از مواجهه با گناهان و انحراف دور نگه دارند. ۴- والدین با ایجاد فرصت‌های مناسب آموزشی و تربیتی فرزندان خود را در مسیر رشد و پیشرفت قرار دهند. ۵. والدین باید برای نجات از چالش‌های اجتماعی- که منجر به بروز ناهنجاری‌ها و استرس در خانواده‌ها می‌شود- با شرایط جدید سازگاری و تطابق داشته باشند. و بر اساس راهبردهای قرآنی و نهج البلاغه با صبر و استقامت، فرزندان خود را به راه راست هدایت نمایند. ۶- والدین می‌توانند در تربیت فرزندان، به اصل محبت و

- Basuli, Fatemeh et al. (2013), A Study of Family Management and Raising Children with an Islamic Approach, Journal of Strategic Studies in the Humanities and Islamic Sciences, Volume 4, No. 56.
- Bustan (Najafi), Hossein (2010). Family in Islam, Qom: Seminary and University Research Institute.
- Tamimi Amadi, Abdul Wahid bin Muhammad (1410 AH). Gharr al-Hakam and Darr al-Kalam. Researcher/Editor: Rajai, Sayyid Mahdi. Qom: Dar al-Kitab al-Islam, Second Edition.
- Tamimi Amadi, Abdul Wahid bin Muhammad (2015). Gharr al-Hakam and Darr al-Kalam. Translation: Mohammad Rahmati Shahreza, Qom: Naghmeh al-Quran Publications.
- Javadi Amoli, Mohammad Taqi. (2012). The Social System of Islam. Qom: Islamic Works Publishing House.
- Javadi Amoli, Abdullah (2014). Mafatih al-Hayyah. 173rd edition, Qom: Israa Publishing House.
- Khorammanesh, Arezoo (2018). The importance of family management in Islam, Jahan Novin, Summer, No. 2.
- Dashti, Mohammad (2013). Eternal advice (first edition). Tehran: Golberg Publishing House.
- Raising Children from the Perspective of Islam and Western Psychology, Tehran: Enduring Legacy.
- Majma' al-Bayyan in the Interpretation of the Quran. Qom: Al-Bayt Institute (peace be upon him).

- Abd Khodai, Mohammad Hadi (2016), Family Management in the Quran, Mashhad: Meshkooh, Summer, No. 131.
- Ghaemi Amiri, Ali (2011). Family from the Perspective of Imam Amir al-Mu'minin (AS), Fourth Edition, Tehran: Parents and Educators Association Publications.
- Qom: Dar al-Kutb al-Islamiyyah.
- Gloriadi, Gaetano, translated by Mohammad Reza Rostami, Forough Idrisi (2013). Parenting in the Media Age, 2nd edition, Summer, Tehran: Hamshahri Publications
- Mostafavi, Seyyed Javad (2014). Family Paradise, vol. 1 and 2, Mashhad: Baresh Publications.
- Motahari, Morteza (2019). Responsibility and Raising Children. Qom: Sadra Publications.
- Model Interpretation, Issue 44, Volume 3, Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyyah.
- Mandeville, Bernard. (1988); The Fable of the Bees, New York: Oxford University Press.